



Woman in Development and Politics

Analysis of the Situation of Presence of Women in Political Positions in the Contemporary World and Iran (from the third decade of the 21st century)

Hoda Sadat Vaezi¹✉^{ID} | Ali Alihosseini²^{ID}

1. Corresponding Author, Department of Political Science, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran. E-mail: h.s.vaezi@ase.ui.ac.ir
2. Department of Political Science, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran. E-mail: a.alihosseini@ase.ui.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
<p>Article type: Research Article</p> <p>Article history: Received: 18 March 2022 Received in revised form: 10 June 2022 Accepted: 13 September 2022 Published online: 21 March 2023</p> <p>Keywords: Gender Gap, Globalization, Iran, Politics, Women.</p>	<p>Although in the history of mankind, various experiences of the presence of women in the fields of power and politics in various positions have been recorded, such as; the head of the tribe in matriarchal tribes, the viceroy, the ministry, even in some cases the queen & first person of the empire & becoming an admiral and becoming a general (for example in the Sasanian and Achaemenid periods) but until the 19th century and before the growth & expansion of democracy in the world; Most of the women were prevented from participating in various fields, as well as from effective and excellent participation in politics. From the middle of the twentieth century; due to the pervasiveness of the process of globalization & democratic political culture, the majority of people & women were able to participate effectively in politics & enter politics. Especially since the 21st century; the increasing presence of women in politics has been expanding as a pervasive process. According to this point that the arenas of human life include political, economic, social & cultural fields and considering that the most effective component of power is the political arena; it can be said: Politics is the most important field of human life and Politics affects the social, economic & even cultural fields. Because political power has the final role of determining, controlling, managing and making decisions. For this reason; participation in political power & attaining political positions have always been very important for people including women. So it should be noted that the presence of women in political positions (achieving political power) is very important. Women's presence on the political positions is strategic importance for considering women's rights at the time of legislation & policy-making and benefiting from female potential in the field of social political management. Therefore; this descriptive-analytical study by document collection method and analysis of some statistics and analogy; tries to answer this question "Given the global trend of women in political positions, What is the status of women in political positions of the Islamic Republic of Iran and What are the possibilities & opportunities for Iranian women to participate in political positions of the Islamic Republic of Iran?". The results show that Iran is in a bad position in terms of the global sub-index (Sub-index of political empowerment) even compared to many countries in its region. Also, the research results show that in the future, due to the growing efforts of Iranian women for political participation at the level of the power elite) for example; increasing registration & application & candidacy in the elections of the Islamic Council, the elections of the Assembly Experts & the presidential elections(, considering to increase the level of education of Iranian women) to increase the ranking of Iran in the global index of Educational Attainment(and especially with regard to the globalization process & spreading democratic political culture in the age of communication; the demand of Iranian women to play an effective role in political power & attaining political positions will increase a lot. In order to respond to the demand of elite Iranian women to reach political positions, these important facilities should be emphasized: A history of suitable high university education of Iranian women in fields that related to social political management & political positions (political science, public administration, policy making, law, political sociology, etc.), Realization of the minimum political work experience of women to achieve political positions after four decades of the stability of the political system of the Islamic Republic of</p>

Iran, Accepting the presence of women in the field of political power by the transitioning society of Iran and The hidden potential of the ideal of the Islamic revolution about the opposition to the instrumental view of capitalism on female gender & the claim about paying special attention to the dignity of women in the main discourse of the Islamic Republic of Iran. It is necessary to reduced the impact of barriers for Iranian women to access political positions with some solutions, for example: political system support measures to increase the share of women in political positions & improve the international image of the Islamic Republic of Iran, culture-creating (culturalization) to show the political field with the image of female & male presence and increasing women's self-confidence.

Cite this article: Vaezi, H. A., & Alihosseini, A. B. (2023). Analysis of the Situation of Presence of Women in Political Positions in the Contemporary World and Iran (from the third decade of the 21st century). *Women in Development and Politics*, 21(1), 165-190. DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2022.342017.1008201>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2022.342017.1008201>



انتشارات دانشگاه تهران

زن در توسعه و سیاست

تحلیل وضعیت حضور زنان در مناصب سیاسی در جهان معاصر و ایران (از دهه سوم قرن بیست و یکم)

هدی السادات واعظی^۱ | علی علی حسینی^۲۱. نویسنده مسئول، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: h.s.vaezi@ase.ui.ac.ir۲. گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: a.alihosseini@ase.ui.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی- کاربردی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۲</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۶/۱۲</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۲</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۱/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: ایران، جهانی شدن، زنان، سیاست، شکاف جنسیتی.</p>	<p>از اواسط قرن بیست میلادی، به دنبال فراگیری فرایند جهانی شدن و فرهنگ سیاسی دموکراتیک، غالب مردم و زنان امکان مشارکت سیاسی مؤثر و ورود به سیاست را یافتند؛ به ویژه از قرن بیست و یکم، روند افزایش حضور زنان در سیاست به عنوان پدیده‌ای کلی در حال گسترش بوده است. با توجه به نقش مشارکت سیاسی زنان در سطوح عالی جهت اعتلای جایگاه و حقوق آنان، این پژوهش توصیفی-تحلیلی به شیوه گردآوری اسنادی و تحلیل و مقایسه برخی آمارها، درصد پاسخگویی به این پرسش است که با عنایت به روند وضعیت جهانی حضور زنان در مناصب سیاسی، وضعیت حضور زنان در مناصب ایران و امکانات و موانع مربوط، چگونه است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که ایران از نظر زیرشاخص توانمندسازی سیاسی، حتی نسبت به بسیاری از نظام‌های محافظه کار منطقه، در جایگاه نامناسبی قرار دارد و بنا به افزایش ثبت نام زنان ایرانی در انتخابات و افزایش سطح تحصیلات و تلاش ایشان برای ورود به سیاست و با توجه به فراگیری فرهنگ سیاسی دموکراتیک در عصر ارتباطات، با افزایش تقاضای زنان برای نقش آفرینی در عرصه سیاسی مواجه خواهیم شد. در این راستا، باید بر امکاناتی از قبیل تحصیلات تکمیلی زنان در رشته‌های مرتبط با مدیریت سیاسی، سابقه تصدی مناصب میانی و... تکیه کرد. همچنین باید با اتخاذ تدابیر حمایتی نظام در راستای افزایش سهم زنان در مناصب و بهبود وجه بین‌المللی کشور، فرهنگ‌سازی در راستای نمایاندن عرصه سیاست به عنوان عرصه حضور دو جنس و افزایش خودباوری زنان، از تأثیر موانع دست‌یابی زنان ایرانی به مناصب سیاسی کاست.</p>

استناد: واعظی، ه. و علی حسینی، ع. (۱۴۰۲). تحلیل وضعیت حضور زنان در مناصب سیاسی در جهان معاصر و ایران (از دهه سوم قرن بیست و یکم). زن در توسعه و سیاست، ۲۱(۱)، ۱۶۵-۱۹۰.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2022.342017.1008201>



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

در تعبیری کلی می‌توان عرصه‌های زندگی بشر را به عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تقسیم کرد. با توجه به اینکه مشهودترین و بارزترین و مؤثرترین مؤلفه قدرت در عرصه سیاست وجود دارد، می‌توان گفت این عرصه مهم‌ترین عرصه زندگی بشر است؛ چرا که نقش نهایی تعیین‌کننده، کنترل‌کننده، مدیریت‌کننده و تصمیم‌ساز را دارد. از این‌رو حضور در عرصه قدرت سیاسی، همواره مورد توجه مردمان اعم از زن و مرد بوده است. شایان ذکر است که اگرچه تجارب مختلفی از نقش زنان در عرصه قدرت و سیاست در مناصب از جمله رئیس قبیله در قبیله‌های مدرسالار تا شخص اول مملکت (ملکه) و نایب‌السلطنه و حتی در پاره‌ای از موارد شاهنشاهی و وزارت و درياسالاری و سرداری به‌عنوان مثال در دوره ساسانی و هخامنشی (Afkhami et al., 2018) و... در تاریخ ثبت شده‌اند، اما تا قرن نوزده میلادی و آغاز شکوفایی و گسترش دموکراسی در جهان، اکثر زنان به‌تبع محرومیت از مشارکت در عرصه‌های مختلف از مشارکت معنادار و قابل‌توجه در سیاست، بازداشته شده بودند.

تا پایان قرن نوزده میلادی، ابتدا در نظام‌های مردم‌سالار^۱ و سپس در بیشتر کشورهای جهان، مشارکت زنان در سیاست از سطح کف مشارکت سیاسی (حق رأی و اجتماعات سیاسی و...) فراتر رفت و به سطح فعالیت در مناصب سیاسی از جمله عضویت پارلمان و احراز نقش‌های رهبری سیاسی ارتقا یافت. امروزه ارتقای مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف از جمله سیاست، به‌عنوان پیش‌شرط توسعه و پیشرفت جوامع، مورد تأکید جامعه جهانی قرار گرفته است (Kamali, 2001). زنان به‌عنوان اعضای جامعه باید به سهم خود در عرصه‌های مختلف از جمله سیاست، مشارکت داشته باشند تا عدالت و شایسته‌سالاری و توسعه سیاسی محقق شود. اگر زنان در مناصب سیاسی حضور مؤثر نداشته باشند، اصل روح دموکراسی محقق نمی‌شود و اعتماد عمومی به دولت و مقبولیت و بعضاً مشروعیت دولت مخدوش می‌شود. حضور زنان در مناصب سیاسی به‌ویژه از نظر لحاظ‌کردن حقوق زنان حین تقنین و سیاست‌گذاری‌ها و از نظر بهره‌مندی از پتانسیل آنان در عرصه مدیریت سیاسی مهم است؛ بنابراین توجه به روند روبه‌رشد حضور زنان در سیاست در کشورهای مختلف و عنایت به وضعیت کنونی کشورمان به قصد طرح ضرورت توجه به چشم‌انداز حضور زنان ایرانی در مناصب سیاسی، اهمیت دارد. بدین ترتیب در این مقاله، ابتدا به این مسئله پرداخته می‌شود که روند جهانی حضور زنان در مناصب سیاسی و نیز در مناصب سیاسی جمهوری اسلامی ایران چگونه است.

سپس به امکانات و موانع مربوط در راه پاسخگویی به افزایش تقاضای زنان ایرانی برای حضور در مناصب سیاسی پرداخته می‌شود و در نهایت، نتیجه‌گیری و راهکارها ارائه می‌شود.

۲. روش‌شناسی پژوهش

این مقاله توصیفی-تحلیلی، از نظر تحلیل مبتنی بر روش تحقیق کمی-کیفی و از نظر گردآوری داده‌ها بر پایه اطلاعات کتابخانه‌ای، اسنادی و برخی آمار و گزارش‌های موجود و بر محور مقایسه سهم زنان در مناصب سیاسی در جهان و مناطق مختلف آن با ایران است.

۳. طرح مسئله

۳-۱. حضور زنان در قدرت سیاسی با نگاهی به جهان معاصر

با توجه به اهمیت قدرت سیاسی به‌عنوان تعیین‌کننده، کنترل‌کننده و مدیریت‌کننده عرصه‌های مختلف زندگی بشر، حضور زنان در عرصه قدرت سیاسی، از مؤثرترین گام‌ها در راستای اعتلای جایگاه و حقوق ایشان به‌شمار می‌رود. تا قبل از قرن بیست میلادی در بیشتر جوامع، اغلب مردم و تقریباً همه زنان از امکان تأثیرگذاری بر روند اصلی قدرت (رأس هرم قدرت سیاسی) محروم بودند، اما با رخدادن اتفاقات اساسی در عرصه بین‌الملل از جمله تحولات بعد از جنگ جهانی دوم و پس از جنگ سرد (شکست فرهنگ‌های سیاسی واجد خصایص اقتدارگرایی^۱، توتالیتری^۲، فاشیستی^۳ و...) و به‌دنبال رشد فرهنگ دموکراتیک در کشورهای اروپایی و ایالات‌متحده، امکان مشارکت سیاسی مؤثر، به‌ویژه از طریق مکانیسم‌های انتخاباتی برای زنان فراهم شد.

از اواسط قرن بیست میلادی به بعد، به‌دنبال فرایندهای مربوط به جهانی‌شدن^۴ و رشد فناوری^۵، فرهنگ سیاسی دموکراتیک و نظام‌های دموکراتیک در جهان گسترش چشمگیری یافت؛ به‌نحوی که امروزه چنان این فرهنگ در عرصه بین‌الملل مورد توجه و پذیرش واقع شده که حتی سیستم‌های سیاسی غیردموکراتیک نیز اغلب مکانیسم خود را مکانیسمی مردم‌سالارانه معرفی می‌کنند. از مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی دموکراتیک، برابری حقوق افراد جامعه اعم از زن و مرد است. براین‌اساس «اگر زنان از مناصب قدرتمند (سیاسی) کنار گذاشته شوند، دموکراسی به معنای واقعی خود خدشه‌دار

1. authoritarianism
2. totalitarian
3. fascist
4. globalization
5. technology

شده است»^۱ (Hening & Henig, 2005: 166-167). از حدود اواسط قرن بیستم به این سو با توجه به روشن شدن اهمیت مسئله برابری جنسیتی در عرصه‌های گوناگون از جمله سیاست از حیث تحقق دموکراسی و دستیابی به توسعه، طبق گزارش‌های مختلف بین‌المللی، زنان در کشورهای مختلف جهان (البته با توجه به موانع مربوط، با کم‌وکیف‌های مختلف) به عرصه تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری و مناصب سیاسی راه یافته‌اند؛ از مشارکت هرچه بیشتر در پارلمان تا اخذ مناصب کابینه و ریاست دولت (در قالب رئیس حزب اکثریت پارلمان و نخست‌وزیری یا ریاست‌جمهوری و...) از آن زمان در تعبیری کلی، روند حضور زنان در مناصب سیاسی در جهان روبه‌افزایش بوده است و زنان در دستیابی به مناصب سیاسی از نظر تعداد (کمیت) و اهمیت مناصب (کیفیت) در سیستم‌های دموکراتیک و پیشرفته موفق‌تر بوده‌اند. شایان ذکر است که البته گاهی روند رشد حضور زنان در مناصب سیاسی با نوع نظام سیاسی مطابقت نداشته است؛ برای مثال اکنون شاخص تعداد زنان در پارلمان و کابینه در برخی از نظام‌های نئوپاتریمونیا^۲ اسلامی، از برخی نظام‌های اسلامی از نوع جمهوری پیشی گرفته است. در راستای مقایسه گام‌به‌گام روند جهانی حضور زنان در مناصب سیاسی با وضعیت ج.ا. ایران، در این مقاله، وضعیت معاصر حضور زنان در مناصب سیاسی در سطح جهانی و سپس در سطح کشورهای پیشرفته اسلامی و در سطح خاورمیانه و نظام‌های نئوپاتریمونیا^۲ حوزه خلیج فارس مقایسه می‌شود.

در جهان: از نیمه دوم قرن بیستم میلادی رخدادهای موفقیت‌آمیزی حضور زنان در بالاترین مناصب سیاسی را مورد توجه قرار داد؛ از قبیل به قدرت‌رسیدن اولین نخست‌وزیر زن جهان در سال ۱۹۶۰ در سریلانکا، اولین رئیس‌جمهور زن جهان در ۱۹۷۴ در آرژانتین و به‌ویژه به قدرت‌رسیدن ایندیرا گاندی در هند در ۱۹۶۶ و... در واقع دستیابی به سمت رهبری کشور (ریاست دولت از نوع غیرپادشاهی) توسط این زنان از این نظر به‌عنوان اولین‌ها محسوب می‌شود؛ زیرا پیش از این زنان صرفاً با عناوینی مانند ملکه یا بانوی اول، از راه خون یا ازدواج و... به سمت رهبری کشورها یا امپراتوری‌ها رسیده بودند، نه از طریق روند دموکراتیک و انتخابی و اکتسابی. البته باید به بسترهای تاریخی، فرهنگی و فرایندهای مختلف و متفاوت در هریک از این کشورها نیز توجه داشت. در مجموع از حدود ۱۹۶۰ به بعد در سراسر جهان به تدریج بر تعداد زنانی که در کشورهای مختلف رئیس دولت شدند، افزوده شد و از تعدادی انگشت‌شمار، به حدود ۷۰ زن افزایش یافت و از سال

1. Rath Hening, & Simon Henig

2. Neopatrimonial

۲۰۰۰، این رقم دو برابر شد. طبق گزارش مجمع جهانی اقتصاد^۱ درباره شکاف جنسیتی^۲ که پس از مطالعه وضعیت زنان سیاستمدار در ۱۴۶ کشور به دست آمده است، ۶۸ کشور (۳۵ درصد از کل کشورهای مستقل جهان) طی پنجاه سال گذشته توسط حداقل یک زن اداره شده است و در بیش از ۹۵ درصد از کشورها، زنان در کابینه دولت حضور دارند. در چهار کشور فرانسه، فنلاند، سوئد و نروژ نیز تعداد زنان حاضر در کابینه دولت در مقایسه با مردان، ۵۰ درصد یا بیش از ۵۰ درصد بوده و رواندا و بولیوی دو کشوری هستند که شمار زنان در پارلمان آن‌ها بیش از مردان بوده است (در رواندا ۶۴ درصد و در بولیوی ۵۳ درصد از نمایندگان پارلمان را زنان تشکیل می‌دهند). در مجموع در سراسر جهان، زنان ۲۰ درصد از ترکیب دولت‌ها و ۲۲/۶ درصد از ترکیب قوه مقننه را تشکیل می‌دهند و در جهان فقط در یک کشور یعنی یمن هیچ زنی در پارلمان ملی حضور ندارد^۳. در نگاهی کلان، اروپا قاره‌ای است که در بیشتر کشورهای آن، زنان در قدرت سهمیم هستند. در این قاره اکنون چهارده کشور توسط زنان اداره می‌شود و زنان سیاستمدار در کشورهای شمال قاره اروپا بیشتر بوده‌اند. در این زمینه ایرلند، ایسلند، نروژ، فنلاند و کشورهای بالتیک (لیتوانی، لتونی و استونی) در صدر قرار دارند؛ چنان که در ایرلند، قدرت برای ۲۱ سال و در ایسلند به مدت ۲۰ سال در دست زنان بوده و در نروژ و فنلاند دوره زمامداری به ترتیب ۱۳ و ۱۲ سال در دست رئیس‌دولت زن بوده است. تاکنون رئیس‌دولت‌های زن ده سال در لیتوانی، هفت سال در لتونی و چهار سال در استونی بر مسند قدرت بودند (Euronews, 2018). براساس گزارش ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ درمورد شاخص جهانی شکاف جنسیتی^۴ در جهان نیز برترین‌ها از کشورهای پیشرفته اروپای شمالی هستند و چهار رتبه نخست به کشورهای اروپای شمالی (ایسلند، نروژ، فنلاند و سوئد) تعلق گرفته است. در مقایسه‌ای منطقه‌ای می‌توان گفت بیشتر کشورهایی که از نظر شاخص شکاف جنسیتی وضع بهتری دارند، یعنی شکاف‌های جنسیتی بسته‌شده بیشتری دارند، کشورهای توسعه‌یافته اروپا و آمریکای شمالی هستند و منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا^۵ نسبت به دیگر مناطق، وضع بدی داشته‌اند. ترتیب مناطق از موقعیت برتر تا موقعیت بدتر به ترتیب چنین بوده است: ۱. اروپای شمالی، ۲. آمریکای شمالی، ۳. آمریکای لاتین، ۴. اروپای شرقی و آسیای مرکزی، ۵. آسیای شرقی و اقیانوسیه، ۶. جنوب صحرای

1. World Economic Forum (WEF)

2. gender gap

۳. تا سال ۲۰۱۶ در دو کشور جهان یعنی در یمن و قطر، زنی در پارلمان حضور نداشت، اما در سال ۲۰۱۷ امیر قطر طی حکمی چهار زن را به عضویت مجلس شورای قطر برگزید.

4. global gender gap index

5. Middle East and North Africa (MENA)

آفریقا، ۷. جنوب آسیا و ۷. خاورمیانه و شمال آفریقا (یعنی زنان در کشورهای منطقه ما، حتی نسبت به کشورهای جنوب صحرای آفریقا، از نظر شکاف جنسیتی در وضعیت بدتری به سر می‌برند). در ادامه در راستای نزدیکی هرچه بیشتر به مبحث وضعیت ایران، به بررسی وضعیت اخذ مناصب سیاسی عالی توسط زنان در کشورهای اسلامی پرداخته می‌شود.

در کشورهای اسلامی: غالباً از دهه ۱۹۸۰ به بعد (حدود دو دهه دیرتر از اولین تجارب دستیابی زنان به مناصب ریاست‌جمهوری و نخست‌وزیری در جهان) حضور زنان مسلمان در مناصب سیاسی در سطح عالی دولت (رهبری کشور) رخ داد؛ مواردی از قبیل ۱۹۸۸ نخست‌وزیری پاکستان (بی‌نظیر بوتو)، ۱۹۹۱ نخست‌وزیری بنگلادش (خالده ضیا)، ۱۹۹۳ نخست‌وزیری ترکیه (تانسو چیلر)، ۱۹۹۶ نخست‌وزیری بنگلادش (شیخ حسینه واجد)، ۲۰۰۱ نخست‌وزیری سنگال (مامی مادیوربوی)^۱ و ریاست‌جمهوری اندونزی (مگاواتی سوکارنوپوتری) که همگی از اولین تجارب زنان مسلمان در اخذ مناصب سیاسی در سطح عالی دولت-کشور محسوب می‌شوند. تجربه‌های بعدی دستیابی زنان به مناصب سیاسی در سطح عالی دولت (رهبری کشورهای مسلمان در مقام نخست‌وزیری و ریاست‌جمهوری) شامل این موارد می‌شوند: از ۲۰۰۹ نخست‌وزیری بنگلادش (شیخ حسینه)^۲، ۲۰۱۰ رئیس‌جمهوری قرقیزستان (رزا اوتونبایوا)^۳، ۲۰۱۱ رئیس‌جمهوری کوزوو (عاطفه یحیی‌آغا)^۴، ۲۰۱۳ نخست‌وزیری سنگال (امینا تاتوره)، ۲۰۱۵ رئیس‌جمهوری موریس^۵ (امینه غریب فقیم)^۶ و ۲۰۱۷ رئیس‌جمهوری سنگاپور (حلیمه بنت یعقوب)^۷. به‌طور کلی در سطح کابینه نیز حضور زنان در کشورهای مسلمان در مناصب از قبیل وزارت و معاونت نخست‌وزیر، معاونت ریاست‌جمهوری، معاونت وزیر و... از نیمه دوم قرن بیستم به این سو، روبه‌افزایش بوده است. در ادامه برای نزدیکی هرچه بیشتر به مبحث ایران، به‌طور خاص‌تر به بررسی وضعیت معاصر حضور زنان در سیاست در منطقه خاورمیانه پرداخته می‌شود.

1. Mame Madior Boye

او دارای تعهدات قوی به اصول احقاق حقوق زن بود و نگرانی‌های زنان را در زمان خود در دولت مطرح می‌کرد.

۲. تا ۲۰۲۲ میلادی

۳. از دیگر سمت‌های او در دولت، اولین سفیر جمهوری قرقیزستان در آمریکا و کانادا و سفیر اول در انگلیس نیز بود.

4. Atifete Jahjaga

۵. موریس، دموکراتیک‌ترین کشور قاره آفریقا است.

۶. او دارای تعهدات قوی به اصول احقاق حقوق زن به‌ویژه حمایت از اهمیت آموزش برای دختران جوان بود.

۷. تا ۲۰۲۲ میلادی؛ از دیگر سمت‌های حلیمه بنت یعقوب در سطح دولت، وزارت بوده است. ریاست‌جمهوری وی به عنوان

تجربه‌ای موفق از رهبری کشوری توسعه‌گرا توسط یک زن شناخته شده است.

در منطقه خاورمیانه: به طور میانگین سهم زنان در مناصب سیاسی صرفاً حدود ۷ درصد بوده است و در این زمینه کشورهای منطقه، تفاوت‌های بسیاری با یکدیگر دارند. شایان ذکر است که گرچه حضور زنان خاورمیانه در مناصب سیاسی کمتر از میانگین جهانی است و در برخی کشورهای منطقه تا دهه گذشته، زنان حتی حق رأی و حق کاندیداتوری را نیز نداشتند و درصد اندک زنان در قوه مقننه مانع از نقش مستقیم زنان در تصمیم‌گیری‌ها شده بود، اما روند حضور زنان خاورمیانه در عرصه قدرت سیاسی، طی دهه اخیر سرعت گرفته است؛ به نحوی که حتی بسیاری از کشورهای عربی حوزه خلیج فارس که دارای نظام‌های سیاسی محافظه کار و غیردموکراتیک هستند و با موانع بسیاری در مسیر دموکراتیزاسیون مواجه‌اند (Shanbehbazaari & Eslami, 2020) و قوانین و رویه‌های ضد زن در آن‌ها اجرا می‌شود، گام‌های ابتدایی مثبتی در راستای برابری جنسیتی از جمله در عرصه سیاست برداشته‌اند؛ برای نمونه در سال ۲۰۱۱ عضویت چند زن در شورای مشورتی سلطنت با حکم پادشاه عربستان، ۲۰۱۷ عضویت چهار زن در مجلس شورای قطر با حکم امیر قطر، ۲۰۱۸ انتصاب یک زن به سمت معاونت وزیر و ۲۰۱۹ انتصاب یک زن به سمت سفارت با رتبه وزیر توسط پادشاه عربستان.

در جمهوری اسلامی ایران: بررسی کلی شاخص جهانی شکاف جنسیتی (که شامل زیرشاخص‌های «توانمندسازی سیاسی»^۱ و «فرصت و مشارکت اقتصادی»^۲ و «سلامت و بقا»^۳ و «دستیابی به امکانات آموزشی»^۴ است) نشان می‌دهد در ایران، تغییرات شاخص شکاف جنسیتی، روندی ثابت نداشته است. از نظر نابرابری جنسیتی عقب‌گرد، یا حداقل ایستایی از میانه دهه (از ۲۰۱۵) مشاهده شده و در گزارش‌ها (از ۲۰۰۶ تا پایان گزارش ۲۰۲۱) ایران در زیرشاخص‌های «توانمندسازی سیاسی یعنی حضور زنان در مناصب سیاسی» و «فرصت و مشارکت اقتصادی» با اختلاف زیاد، امتیازی کمتر از میانگین جهانی کسب کرده است؛ هرچند در زیرشاخص‌های «سلامت و بقا» و «دستیابی به امکانات آموزشی»، نزدیک و گاهی بیش از میانگین جهانی بوده است (به نحوی که وضعیت شاخص شکاف جنسیتی در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ بهبود نسبی داشته، اما طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲ با تغییرات متناوب افزایشی و کاهش‌ی مواجه شده و در سال ۲۰۱۲ میزان شاخص فاصله جنسیتی به ۰/۵۹۳ و در نهایت در سال ۲۰۱۵ به ۰/۵۸۰ رسیده است؛ یعنی کمتر از آنچه در گزارش ۲۰۰۸ اعلام شده بود). در سال ۲۰۱۸ جایگاه ایران بهبود نسبی داشته، اما

1. political empowerment
2. economic participation and opportunity
3. health and survival
4. educational attainment

جدیدترین گزارش‌های شاخص شکاف جنسیتی (۲۰۲۰ و ۲۰۲۱) حاکی از آن است که ایران در سطح جهانی، در بین ده کشور پایین جدول قرار دارد.^۱ در شاخص شکاف جنسیتی، ایران در مقایسه با کشورهای منطقه (خاورمیانه و شمال آفریقا) در جایگاه شانزدهم یعنی نزدیک کشورهای سوریه، عراق و یمن قرار دارد و دارای جایگاهی پایین‌تر از بحرین، امارات، عربستان، عمان، ترکیه، ارمنستان و آذربایجان است؛ به‌نحوی که سایر کشورهای منطقه (البته جز افغانستان، پاکستان، یمن و عراق) حداقل در یک زیرشاخص محاسبه‌شده، جایگاهی بهتر از ایران یافته‌اند و متأسفانه ایران نه تنها جزو ده کشور برتر منطقه از نظر برابری جنسیتی نیست، بلکه در زمره پنج کشور انتهایی این فهرست به‌شمار می‌رود.

۲-۳. وضعیت ایران از نظر زیرشاخص «توانمندسازی سیاسی» طبق گزارش‌های ۲۰۱۵ تا پایان گزارش ۲۰۲۱

زیرشاخص توانمندسازی سیاسی به شکاف جنسیتی در بالاترین سطوح تصمیم‌گیری سیاسی مربوط می‌شود و از طریق بررسی نسبت زنان به مردان در مؤلفه‌های موقعیت وزارتی، جایگاه پارلمانی و سنوات در اختیار داشتن مهم‌ترین مقام اجرایی (رئیس‌جمهوری، نخست‌وزیری و ریاست‌دولت) در پنجاه سال گذشته تعیین می‌شود. همان‌طور که اشاره شد، بررسی امتیاز ایران در چهار زیرشاخص شکاف جنسیتی (توانمندسازی سیاسی، بهداشت، آموزش، مشارکت اقتصادی) نشان داد بیشترین شکاف جنسیتی ایران به‌ترتیب در زیرشاخص توانمندسازی سیاسی (حضور زنان در مناصب سیاسی عالی) و سپس مشارکت اقتصادی بوده است؛ به‌طوری که در تمام مؤلفه‌های زیرشاخص توانمندسازی سیاسی، شکاف جنسیتی در ایران بسیار زیاد است و ایران از ضعیف‌ترین کشورهای جهان به‌لحاظ توانمندسازی سیاسی زنان به‌شمار می‌رود؛ چرا که میانگین جهانی زیرشاخص توانمندسازی سیاسی حول امتیاز ۰/۲۱۸ بوده است، اما امتیاز ایران حول عدد ۰/۰۳۶ است.^۲ ایران در زیرشاخص توانمندسازی سیاسی، به‌ترتیب بیشترین شکاف جنسیتی را در مؤلفه‌های «تعداد سال‌هایی که زنان رئیس‌دولت هستند»، «حضور زنان در پارلمان» و «حضور زنان در منصب وزارت» داشته است. بررسی این زیرشاخص مهم در گزارش ۲۰۲۱ نشان می‌دهد ایران در مؤلفه «تعداد سال‌هایی که زنان رئیس‌دولت هستند» (مربوط به دستیابی به عالی‌ترین مناصب سیاسی) در رتبه ۷۶ و در مؤلفه

۱. در سال ۲۰۲۰ ج.ا.ا. رتبه ۱۴۸ را به خود اختصاص داد و جایگاه آن در مقایسه با رتبه سال ۲۰۱۸ به میزان شش پله تضعیف شد. در سال ۲۰۲۱ نیز ج.ا.ا. رتبه ۱۵۰ را کسب کرد و نسبت به سال قبل دو پله تضعیف شد.
 ۲. هرچه امتیاز از یک دورتر و به صفر نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده امتیاز کمتر است. یک بهترین امتیاز و صفر بدترین امتیاز محسوب می‌شود.

«حضور زنان در پارلمان» در رتبه ۱۴۸ و در مؤلفه «حضور زنان در منصب وزارت» در رتبه ۱۳۶ قرار دارد. بررسی مؤلفه‌های زیرشاخص توانمندسازی سیاسی بیانگر آن است که طی چند سال اخیر، حتی وضعیت بسیاری از کشورهای منطقه در مقایسه با ایران، بهتر بوده است؛ برای مثال در امارات متحده عربی درصد زنان در پارلمان و موقعیت وزارت، حدود ۱۷ درصد است، ولی این مقدار در ایران حدود ۶ درصد است.

جدول ۱. امتیازات کشور ایران در مؤلفه‌های زیرشاخص توانمندسازی سیاسی

نسبت زنان به مردان	مردان	زنان	فاصله از متوسط جهان	متوسط جهان	ایران	رتبه در ۲۰۲۱
۰/۰۶	۹۴/۴	۵/۶	-۰/۲۵۳	۰/۳۱۲	۰/۰۵۹	۱۴۸
۰/۰۷	۹۳/۳	۶/۷	-۰/۱۶۳	۰/۲۳۵	۰/۰۷۲	۱۳۶
۰	۵۰	۰	-۰/۱۴۴	۰/۱۴۴	۰	۷۶

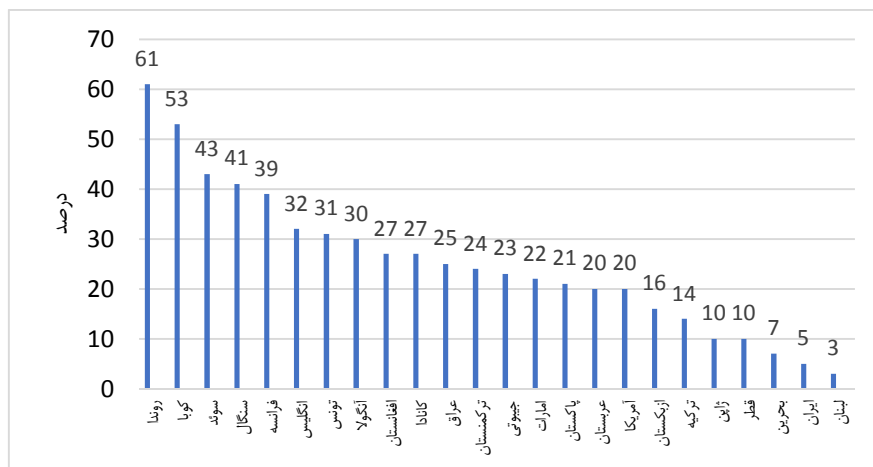
منبع: Karimi Dastnayi, 2021

در این مرحله که رتبه پایین ایران از نظر برابری جنسیتی به‌ویژه در زیرشاخص توانمندسازی سیاسی نسبت به کشورهای جهان و حتی نسبت به بسیاری از کشورهای منطقه محرز شد، به‌طور خاص به وضعیت دستیابی زنان به مناصب سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، امکانات و موانع مربوط با عنایت به چشم‌انداز تقاضا برای حضور زنان ایرانی در مناصب سیاسی پرداخته می‌شود.

۳-۳. وضعیت حضور زنان در قدرت سیاسی ایران

اگرچه از قرن بیست میلادی در جهان به‌طور کلی و در دهه‌های اخیر حتی در خاورمیانه گام‌هایی روبه رشد برای توانمندسازی سیاسی زنان برداشته شده، در این بین کشور ایران عملکرد مناسبی نداشته است؛ بنابراین، در مؤلفه تعداد زنان در پارلمان، حتی نسبت به کشورهای افغانستان (تا قبل از روی کار آمدن مجدد طالبان در ۲۰۲۱)، پاکستان، بحرین و عربستان، وضعیت عقب‌تری دارد؛ به‌عنوان نمونه درصد نمایندگان زن مجلس ایران در بازه زمانی مجلس شورای اسلامی دهم که با هفده

نماینده زن، رکورددار بیشترین تعداد نماینده زن پس از سال ۱۳۵۷ است، صرفاً حدود ۵ درصد است که در مجلس یازدهم با شانزده نماینده زن، به کمتر از ۵ درصد رسیده است؛ درحالی که میانگین جهانی حضور زنان در مجلس حدود ۲۳ درصد است.



شکل ۱. نمودار درصد سهم زنان از نمایندگی پارلمان در کشورهای منتخب

منبع: naghshclick.org, 2019

برای بررسی دقیق‌تر وضعیت حضور زنان در عرصه قدرت سیاسی ایران، به ذکر اجمالی سهم زنان در بالاترین مناصب سیاسی ج.ا.ا. (گام‌های ابتدایی لازم ولی ناکافی و ناچیز در راستای توانمندسازی سیاسی زنان) پرداخته می‌شود:

۱. قوه مجریه: با توجه به ذکر کلمه «رجال» برای خصوصیات احراز پست ریاست‌جمهوری در اصل ۱۱۵ قانون اساسی و عدم ارائه تفسیر فراگیر از این کلمه توسط شورای نگهبان تاکنون و با توجه به دیگر مسائل و موانع، تا سال ۱۳۷۶ شمسی عملاً هیچ زنی حتی امکان ثبت‌نام در انتخابات ریاست‌جمهوری را نیافت و پس از آن نیز هیچ‌یک از زنانی که برای انتخابات ریاست‌جمهوری ثبت‌نام کردند، توسط شورای نگهبان تأیید صلاحیت نشدند؛ هرچند تا امروز با فرازوفرودهایی، تعداد زنانی که برای ثبت‌نام در انتخابات ریاست‌جمهوری اقدام کرده‌اند، روبه‌افزایش بوده است.

جدول ۲. تعداد زنان داوطلب در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران

دوره	تاریخ برگزاری	تعداد داوطلبان زن	تعداد منتخبان زن کشور
۱	۱۳۸۵/۱۱/۵	-	-
۲	۱۳۶۰/۵/۲	-	-
۳	۱۳۶۰/۷/۱۰	-	-
۴	۱۳۶۰/۵/۲۵	-	-
۵	۱۳۶۸/۵/۶	-	-
۶	۱۳۷۲/۳/۲۱	-	-
۷	۱۳۷۶/۳/۲	۱۱	-
۸	۱۳۸۰/۳/۱۸	-	-
۹	۱۳۸۴/۳/۲۷	۹۳	-
۱۰	۱۳۸۸/۳/۲۲	۴۳	-
۱۱	۱۳۹۹/۳/۲۴	۳۰	-
۱۲	۱۳۹۶/۲/۲۶	۱۳۷	-
جمع		۳۱۴	

منبع: Presidential Office of Women and Family Affairs, 2017^۱

سمت‌های معاونت و مشاور رئیس‌جمهور، وزارت و ریاست سازمان‌های عالی دولتی: عملاً تا سال ۱۳۷۰ هیچ زنی در این مناصب امکان حضور نیافت. پس از آن نیز حضور زنان در این سمت‌ها با فراز و فرودهایی همراه بوده و به‌طور کلی به‌کندی، روندی افزایشی را طی کرده است. در جدول ۲ آمار زنانی که به‌عنوان مشاور و معاون رئیس‌جمهور، وزیر و یا سفیر زن در سطوح ارشد مدیریتی در نهاد ریاست جمهوری و در دولت، از سال ۱۳۷۰ یعنی از دولت پنجم تا دولت یازدهم فعالیت داشته‌اند، ذکر شده است (البته برخی از زنان در این سمت‌ها^۲ دوره چهارساله منصب خود را به‌طور کامل به اتمام نرساندند، اما در آمار جدول ۳ با ۱ واحد لحاظ شده‌اند).

۱. آخرین سند ارائه‌شده در مورد اطلاعات این جدول تا زمان نگارش این مقاله (شهریور ۱۴۰۱) همین جدول بود.

۲. از جمله خانم سلطانخواه، خانم دستجردی و خانم امین‌زاده.

جدول ۳. تعداد زنان در سطح دولت و کابینه در جمهوری اسلامی ایران

سمت	دولت پنجم	دولت ششم	دولت هفتم	دولت هشتم	دولت نهم	دولت دهم	دولت یازدهم	جمع کل
مشاور رئیس جمهور	۱	۱	۳	۳	۲	۱		۱۱
معاون رئیس جمهور			۱	۱	۱	۳	۴	۱۰
وزیر						۱		۱
سفیر							۱	۱
رؤسای نهادها، سازمان‌ها و مراکز					۱	۱	۸	۱۰
معاونان وزرا و هم‌ترازان				۲	۲	۲	۱۰	۱۶

منبع: Presidential Office of Women and Family Affairs, 2017^۱

سمت‌های زیرمجموعه وزارت کشور (استانداری، فرمانداری و بخشداری): در ج.ا.ا تاکنون هیچ زنی به پست استانداری منصوب نشده است و انتصاباتی در مقام فرمانداری و بخشداری از ۱۳۷۶ (زمان دولت اول خاتمی) به این سو، با فراز و فرودهایی صورت گرفته است؛ برای نمونه طبق آمار منتشرشده از معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری در مقطع زمانی سال ۱۳۹۵، سه فرماندار (کمتر از ۱ درصد کل مناصب فرمانداری کشور) و پنج معاون فرماندار و ۲۴ بخشدار (حدود ۲ درصد از کل مناصب بخشداری کشور) زن بودند و حضور زنان در این مناصب به‌طور کلی گرچه به‌کندی، روندی افزایشی را طی کرده است.

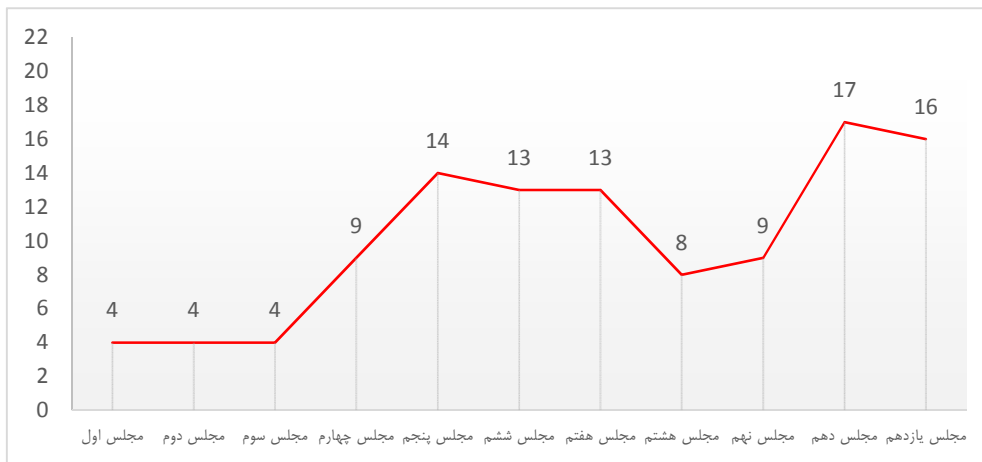
۲. عضویت مجلس خبرگان و شورای نگهبان: اولین بار در سال ۱۳۷۷ در جریان انتخابات مجلس سوم خبرگان رهبری، ۹ زن خواستار نامزدی در انتخابات مجلس خبرگان رهبری شدند و فقط یک زن مجتهد (زهره صفاتی) توانست از سد شورای نگهبان عبور کند و صلاحیت ایشان احراز و تأیید شد، اما او قبل از روز انتخابات و آغاز رأی‌گیری‌ها انصراف داد و در مصاحبه با روزنامه کیهان اعلام کرد به دلیل مخالفت آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی با کاندیداتوری زنان، انصراف داده است.^۲ بار دیگر در سال ۱۳۹۴، در جریان انتخابات مجلس

۱. آخرین سند ارائه‌شده در مورد اطلاعات این جدول، تا زمان نگارش این مقاله (شهریور ۱۴۰۱) همین جدول بود.

۲. خانم زهره صفاتی توضیح داده بود: «یک شخصیتی مثل آیت‌الله صافی که می‌دانیم ایشان خیلی اهل احتیاط است، موقعی که مردم یکی دو بار از بنده خواستند کاندیدای خبرگان شوم، ایشان گفته بود صد درصد رأی می‌آورد، ولی ما نمی‌خواهیم این باب بشود. بعد به من تلفن زدند و مخالفت کردند و من کنار آمدم.» البته از سوی دیگر، علمایی مانند آیت‌الله جناتی و آیت‌الله

پنجم خبرگان رهبری، ۱۶ زن از جمله اعظم طالقانی (نماینده مجلس اول شورای اسلامی) و عصمت سوادى دارای تحصیلات عالی فقهی (شاگرد درس خارج مقام معظم رهبری و دارای مدرک دکتری فقه و حقوق اسلامی) ثبت نام کردند، اما شورای نگهبان، صلاحیت هیچ یک را تأیید نکرد. بدین ترتیب صرفاً در شرایط خاص و متنوع اوایل انقلاب، یک زن عضو مجلس خبرگان قانون اساسی بوده است. تاکنون هیچ زنی اعم از حقوقدان یا فقیه به سمت عضویت شورای نگهبان منصوب نشده است.

۳. کرسی‌های پارلمان: زنان به‌رغم برخی موانع، توانسته‌اند که در روندی تقریباً روبه‌افزایش به مجلس شورای اسلامی راه یابند؛ هرچند از طرفی حتی در دوره رکورد با ۱۷ نماینده زن، سهم زنان از مجلس شورای اسلامی صرفاً ۵ درصد بوده و این تعداد کمتر است از میانگین جهانی حضور زنان در مجلس که حدود ۲۳ درصد است. همچنین تاکنون هیچ زنی به سمت ریاست مجلس نرسیده است. بدین ترتیب این امر روند مهم تصمیم‌گیری و تقنین به نفع زنان را با مشکل مواجه ساخته است.



شکل ۲. نمودار تعداد نمایندگان زن مجلس شورای اسلامی در ادوار مختلف

→ موسوی تبریزی می‌گویند ورود زنان در مجلس خبرگان هیچ منع شرعی و قانونی ندارد و اگر زنان می‌توانند به مقام مرجعیت دست یابند، پس حضورشان در خبرگان هم جایز است (Asriran, 2021).

۴. یافته‌های پژوهشی

۴-۱. مسئله‌کندی و ناهمسویی ایران نسبت به روند جهانی حضور زنان در سیاست

همان‌طور که اشاره شد، از اواسط قرن بیستم میلادی، روند کلی دستیابی زنان به مناصب سیاسی در جهان روبه‌افزایش بوده و از قرن بیست و یکم به این سو، این روند در کشورهای مسلمان و حتی خاورمیانه و حوزه خلیج‌فارس روبه‌افزایش بوده است. این در حالی است که گرچه ایران طی چند دهه اخیر از نظر شاخص شکاف جنسیتی در زیرشاخص‌های تحصیلات و بهداشت، رشد و عملکرد قابل توجه و مثبتی داشته، اما در زیرشاخص توانمندسازی سیاسی زنان و به تبع آن در روند دستیابی زنان به مناصب سیاسی، حتی در دهه‌های اخیر از رشد مطلوب برخوردار نبوده و عملکرد قاطعی در جهت رفع یا کاهش موانع دستیابی و انتصاب زنان به مناصب سیاسی ج.ا.ا. سوی سیستم سیاسی پیگیری نشده است. از این رو حتی طبق جدیدترین گزارش‌ها (۲۰۲۰ و ۲۰۲۱) ایران از نظر توانمندسازی سیاسی جزو هشت کشور انتهایی جدول جهانی قرار می‌گیرد و در تمام مؤلفه‌های زیرشاخص توانمندسازی سیاسی (تعداد سال‌هایی که زنان رئیس دولت هستند و حضور زنان در پارلمان و در منصب وزارت) نسبت به زیرشاخص‌های دیگر بدترین رتبه و وضعیت را طی پنجاه سال اخیر داشته است. از طرف دیگر طبق اطلاعات موجود، تقاضای زنان ایرانی برای اخذ مناصب سیاسی (اعم از ثبت‌نام در انتخابات ریاست‌جمهوری و انتخابات مجلس خبرگان و دیگر انتخابات)، دستیابی به مناصب کابینه، ریاست سازمان‌های مهم و اخذ کرسی‌های پارلمان روبه‌افزایش بوده، هرچند دستیابی زنان به برخی مناصب با موانعی از قبیل عدم تفسیر فراگیر شورای نگهبان از کلمهٔ رجل سیاسی در اصل ۱۱۵ قانون اساسی و عدم حضور حتی یک زن در شورای نگهبان و... مواجه بوده است. با توجه به این وضعیت متناقض، این مسئله مطرح می‌شود که چشم‌انداز روند تقاضای حضور زنان ایرانی در مناصب سیاسی و کاندیداتوری در انتخابات در سال‌های آینده (از جمله انتخابات ۱۴۰۴ و ۱۴۰۸ و ۱۴۱۲ ریاست‌جمهوری و انتخابات مجلس دوازدهم، سیزدهم، چهاردهم و...) چگونه خواهد بود. در واقع امروزه متأثر از شتاب فراگیری فرایند جهانی شدن به‌ویژه از قرن بیست و یکم به این سو (به دلیل رشد فزاینده و توقف‌ناپذیر فناوری اینترنت و...) (Lotfi & Mohammadzadeh, 2010) حتی محافظه‌کارترین کشورهای منطقه مجبور به تجدیدنظر در روندهای مسبق نابرابری جنسیتی شده‌اند (برای نمونه شروع اصلاح قوانین و رویه‌های ضد زن در برخی عرصه‌های اجتماع و سیاست در کشورهای عربستان و امارات و قطر با فرمان حکومتی و فشار از بالا، برخلاف مخالفت بسیاری از مفتی‌ها). در چنین وضعیتی که حتی سیستم‌های سیاسی پاتریمونیال و غیردموکراتیکی از جمله کشورهای حوزه خلیج‌فارس نتوانسته‌اند علیه روند اصلی فرایند جهانی شدن مقاومت کنند و

حتی با فرمان‌های حکومتی، خود گام‌های ابتدایی در راستای حضور زنان در مناصب سیاسی را برداشتند، برای جمهوری اسلامی ایران که دارای نظام سیاسی غیربسته (دارای برخی انتخابات‌ها) است و نسبت به بسیاری از کشورهای منطقه، از سطح بالاتری از توسعه سیاسی (آزادی سیاسی، مشارکت سیاسی و...) برخوردار است و سابقه مثبتی در ارتقای زیرشاخص‌های آموزش و بهداشت زنان (به‌ویژه در مؤلفه سطح تحصیلات زنان) داشته است، امکان و توجیه عملی برای مقابله با فرایند جهانی روبه‌رشد حضور هرچه بیشتر زنان در عرصه قدرت سیاسی نخواهد بود. طی چند دهه اخیر، تعداد زنان تحصیل کرده در مقاطع تحصیلات تکمیلی و به‌ویژه در رشته‌های علوم انسانی مرتبط با حوزه سیاست و مدیریت دولتی و سیاسی، رشد قابل توجهی داشته است. عوامل مختلفی از جمله خصیصه فرهنگی و سنتی مبنی بر نان‌آوردن زنان (اختصاص ندادن نقش و کارکردهای اقتصادی خانواده به افراد مونث)، سربازی نرفتن زنان و هم‌زمان کاهش چشمگیر ازدواج‌های زودرس (زیر ۱۸ سال) زنان سبب شده است بیشتر دختران جوان از فرصت زمانی مناسبی برای تحصیل در مقاطع تحصیلی بالاتر بهره‌مند شوند و دوره تحصیلات تکمیلی به‌ویژه در رشته‌های غیرکاربردی و غیرفنی شاخص علوم انسانی (رشته‌هایی که به‌طور مستقیم اشتغال‌زا نیستند، اما) که مناسب دستیابی به مناصب سیاسی‌اند (مانند علوم سیاسی، مدیریت دولتی، حقوق، علوم اجتماعی و...) را طی کنند. بدین ترتیب، حضور این جمعیت از زنان تحصیل کرده بعضاً نخبه و مستعد و تأثیرپذیری از روند جهانی حضور زنان در سیاست و دیگر عوامل در طی سال‌های آتی موجب افزایش تقاضای زنان ایرانی برای مشارکت سیاسی در سطوح عالی خواهد شد. درحالی‌که به‌نظر می‌رسد پذیرش زنان در دو عرصه انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا و مجلس شورای اسلامی با مانع ساختاری عمیقی مواجه نشود، مشارکت زنان در دیگر مناصب سیاسی و عرصه‌های انتخاباتی از جمله ریاست جمهوری، مجلس خبرگان، وزارت، استانداری، تشکیل جمعیت قابل توجه در مجلس، ریاست مجلس و به‌ویژه عضویت در نهاد بسیار مهم و کلیدی شورای نگهبان (مؤثر در تفسیر قانون و نظر برتر در رابطه با قوانین مجلس و مؤثر در تأیید صلاحیت‌ها در انتخابات مختلف و...) با موانع عمیق و محکمی مواجه است که در صورت برطرف‌نشدن موجب فشار بر سیستم سیاسی و تحقق نیافتن روح مردم‌سالاری خواهد شد و با توجه به اینکه مبانی مشروعیت نظام ج.ا.ا. الهی (Tabesh & Mohseni Darebidi, 2011) و در تعبیری الهی-مردمی است، سبب کاهش نسبی آن و کاهش مقبولیت نظام سیاسی نزد نیمی از جمعیت کشور یعنی زنان خواهد شد؛ چراکه در صورت تداوم وضعیت حضور ناچیز زنان در مناصب سیاسی و تصمیم‌ساز و تقنینی، حقوق زنان در تصمیم‌گیری‌ها لحاظ نخواهد شد و نارضایتی جمعیت تأثیرگذار زنان از قوانین و رویه‌های نابرابر افزایش خواهد یافت. اگرچه این نوع از موانع

حضور زنان در عرصه قدرت و سیاست و سیاست‌گذاری و مدیریت کلان، حتی در سیستم‌های سیاسی پاتریمونینال منطقه به چشم می‌خورد، مسئله این است که حتی این رژیم‌ها، ضرورت کاهش نابرابری جنسیتی متأثر از روندهای جهانی طی چند دهه اخیر را دریافته‌اند و بر این اساس گام‌های هرچند ناکافی و تبلیغی، اما قابل توجه در این رابطه برداشته‌اند، اما سیستم سیاسی ایران هنوز در بعضی حوزه‌ها دچار تعلل است و قصد ناهمسویی با روند جهانی رشد حضور زنان در قدرت سیاسی را دارد؛ برای مثال تأخیر در ارائه تفسیر فراگیر از مفهوم رجل سیاسی، به‌کاربردن مداوم واژه «خانواده» در کنار نام زنان (تأکید بر تفسیری تک‌بعدی از زن مبنی بر کارکرد فرزندآوری و وقف عمر در فرایند فرزندپروری و خانه‌داری) در تعریف انواع سمت‌های سازمانی و همایش‌ها و گفتمان‌های دولتی در مورد زنان و... در صورتی که باید دلسوزانه به خطری که در کمین عدم انعطاف نگاه‌های تک‌بعدی است - مبنی بر ازدست‌دادن حمایت زنان به‌ویژه زنان نخبه مؤید نظام که خواهان ایفای نقش در عرصه قدرت سیاسی اجتماعی در نظام مقدس ج.ا.ا هستند - توجه داشت. جلب و حفظ و افزایش حمایت و تأیید زنان نخبه مذهبی مؤید نظام توسط سیستم سیاسی از این جهت اهمیت ویژه می‌یابد که به علل مختلف مقبولیت سیستم سیاسی، از قبل نزد جمعیت زنان به اصطلاح کمتر مذهبی (مخالف التزامات قانونی مربوط به حدود پوشش انثا و ممنوعیت آواز انثا و...) به‌طور بنیادی متزلزل شده است؛ بنابراین امروزه سهم‌کردن هرچه بیشتر زنان نخبه مؤید نظام در قدرت و توسعه سیاسی، نه امری از سر اختیار، بلکه امری ضروری است. توجه به منافع عینی سرمایه‌گذاری روی زنان، تلاش برای ارتقا و افزایش مشارکت سیاسی زنان را به مسئولیتی همگانی مبدل می‌کند (Razavi, 2009). پس باید به چشم‌انداز افزایش تقاضای زنان ایرانی برای دستیابی به مناصب سیاسی توجه داشت. براین اساس به بررسی امکانات و موانع جذب تقاضای زنان برای دستیابی به مناصب سیاسی ج.ا.ا پرداخته می‌شود.

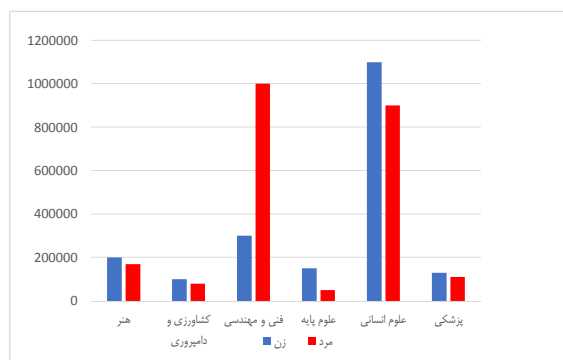
۴-۲. مهم‌ترین امکانات موجود برای جذب تقاضای زنان برای حضور بیشتر در مناصب سیاسی

ج.ا.ا

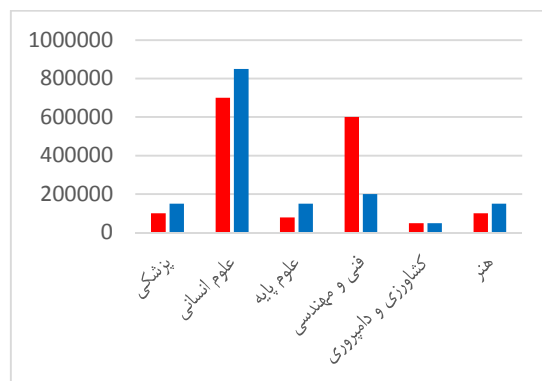
۴-۲-۱. سابقه تحصیلات عالی و متناسب زنان در رشته‌های مربوط به حوزه مدیریت سیاسی

رشد سطح تحصیلات زنان در مقطع تحصیلات تکمیلی دانشگاهی به‌ویژه در رشته‌های غیرفنی و شاخص علوم انسانی که مناسب مدیریت سیاسی اجتماعی و تصدی مناصب سیاسی‌اند (رشته‌های علوم سیاسی، حقوق، مدیریت دولتی، علوم اجتماعی و...)، امکان بهره‌مندی از نیروی دارای تحصیلات تخصصی مربوط را فراهم ساخته است. چنان‌که اشاره شد، رشد تحصیلات زنان

به‌طور کلی در بهبود رتبه ایران در زیرشاخص «دستیابی به امکانات آموزشی زنان» نیز خود را نشان داده و بستر و عاملی برای تقاضای مشارکت سیاسی بیشتر توسط زنان شده است.



شکل ۳. دانشجویان دوره‌های مختلف تحصیلی مؤسسات آموزش عالی برحسب جنسیت (۱۳۹۵)^۱
منبع: Statistical Center of Iran, 2016



شکل ۴. دانشجویان دوره‌های مختلف تحصیلی مؤسسات آموزش عالی برحسب جنسیت (۱۳۹۹)^۲
منبع: Statistical Center of Iran, 2016

۱. طبق آخرین آمار در دسترس برای نگارندگان تا شهریور ۱۴۰۱

۲. طبق آخرین آمار در دسترس برای نگارندگان تا شهریور ۱۴۰۱

۴-۲-۲. تحقق حداقل سابقه کاری سیاسی (تخصصی) زنان برای دستیابی به مناصب سیاسی

عالی

با گذشت حدود چهار دهه از ثبات انقلاب اسلامی و تحقق مواردی چند از حضور زنان در مناصبی از قبیل حضور در کابینه، معاونت وزیری، معاونت ریاست جمهوری، بخشداری، فرمانداری، حضور در پارلمان، چند مورد سابقه منصب سفارت و... سابقه تخصصی کاری در مناصب سیاسی برای این زنان فراهم شده است؛ بنابراین دیگر نباید به بهانه نبود سابقه تخصصی در مشاغل سیاسی، زنان را برای اخذ و دستیابی به مناصب سیاسی عالی در نظر نگرفت.

۴-۲-۳. پذیرش حضور زنان در عرصه قدرت اجتماعی سیاسی توسط جامعه

اگرچه هنوز در جامعه در حال گذار ایران، روح مردسالاری حاکم است (و در جهان نیز غلبه فرهنگ مردسالارانه با کم‌وکیف و اشکال مختلف، به چشم می‌خورد)، امروزه اکثریت مردم ایران (جز چند تن از خواص) با آزادی زنان به‌طور کلی و با حضور زنان در جامعه و به‌ویژه در مناصب سیاسی مخالفتی ندارند؛ بنابراین مکانیسم اصلی که عملاً مانع دستیابی زنان به مناصب سیاسی شده، به عواملی جز مخالفت مردم مربوط است. ارجاع علت مخالفت برخی خواص با حضور زنان در مناصب سیاسی، به مخالفت مردم (مبنی بر اینکه جامعه ایرانی هنوز پذیرای حضور زنان در مناصب سیاسی نیست) مبتنی بر واقعیت نیست؛ چرا که اغلب مردم، مخالف حضور زنان در عرصه قدرت سیاسی و مناصب سیاسی نیستند، بلکه برخی مردم گاهی دغدغه‌هایی از جنس مسائل ظریف‌تر (حضور زنان در اجتماع به‌صورت بهنجار، عدم ورود زنان به مشاغل هنجارشکنانه، مسائلی از قبیل توازن حقوق زن و مرد در زندگی زناشویی و در فرصت‌های کوچک اشتغال و...) را دارند و نه دغدغه حضور زنان نخبه مؤید نظام در سیاست. دوم اینکه حتی اگر اغلب مردم مخالف حضور زنان در سیاست فرض شوند، برخی خواص نباید نگرش خود را که موجب محرومیت زنان از دستیابی به مناصب سیاسی شده است به تبعیت از خواست مردم نسبت دهند؛ چرا که با توجه به وجود مسئله تضاد دولت و ملت در ادوار تاریخی مختلف در ایران و عوامل دیگر، اگرچه اکثریت مردم با طیف بسیاری از رویه‌های اساسی موافق نبوده‌اند، سیستم سیاسی در آن موارد الزاماً از خواست مردم تبعیت نکرده است.

۴-۲-۴. پتانسیل نهفته آرمان انقلاب اسلامی مبنی بر تقابل با نگاه ابزاری به جنسیت زنانه در**برخی جوامع دیگر و در رژیم سیاسی سابق**

نظام جمهوری اسلامی که برآمده از انقلاب ۱۳۵۷ است، در آرمان‌های خود از ابتدا تاکنون (به شیوه‌های مختلف) قائل به نگاهی برتر به زنان در تقابل با نگاه ابزاری به زن (مانند رویه‌های شبه‌مدرنیسم پهلوی و...) بوده است. تقابل و ضدیت با نگاه ابزاری به زن، دستاوردی بوده که زنان را از نگاه کالایی و ابزاری به جنسیت زنانه در عرصه‌های مختلف مصون داشته‌است، اما زمانی این پتانسیل به‌طور کامل، به فعل درخواهد آمد که زمینه فعالیت زنان در عرصه قدرت سیاسی نیز فراهم شود و از حضور زنان در عرصه قدرت، ممانعت به عمل نیاید آنگاه به معنای واقعی و عملی، احترام و کرامت به مقام زن بازخواهد گشت. تأکید بر نقش مقدس مادری در سبک زندگی اسلامی به تنهایی احترام و کرامت را به زنان باز نمی‌گرداند؛ چرا که قبل از دهه ۱۳۶۰ نیز تأکید بر نقش مادری وجود داشت و به تعبیر روشن عملاً همواره در جوامع و ادوار تاریخی مختلف، نقش مادری و مسئله فیزیولوژیک باروری زن و به‌تبع آن نقش بیشتر زن در پرورش فرزند و خانه‌داری (هرچند با کم‌وکیف‌های مختلف) رایج بوده است و حتی در جوامع غربی پسامدرن امروزی که بعضاً نگاه ابزاری به جنسیت زنانه دارند و سبک زندگی غیرزناشویی (شکل‌هایی از جمله ازدواج قانونی همجنس‌گرایان، ترنس‌ها، هم‌خانگی یا ازدواج سفید و سبک زندگی تک‌همسری‌های پیاپی و...) رایج شده نیز؛ درنهایت به‌علت فیزیولوژی بارور بدن زن، هنوز نقش مادری و خانه‌داری و رسالت فرزندپروری، به‌طور عمده برعهده زن است و نگاه به نقش مادری، نگاه تحقیرآمیز و نامحترمانه نیست.

۴-۳. مهم‌ترین موانع جذب تقاضای زنان برای حضور بیشتر در مناصب سیاسی جمهوری**اسلامی ایران**

این موانع را می‌توان تحت عنوان دو دسته پیدا و نهان ذکر کرد: الف) وجه عیان به عملکرد و رویه مشهود ساختار سیاسی و قوانینی که مانع حضور زنان در بسیاری از مناصب سیاسی شده‌اند مربوط می‌شود (مانند کاربست کلمه «رجل سیاسی» در متن قانون اساسی برای شروط سمت ریاست جمهوری، کاربست مکرر شرط جنسیتی مذکور بودن در تعریف شروط فقیه و مرجعیت تقلیدی و به‌تبع تأثیر بر شرط فقیه‌بودن برای دستیابی به کرسی‌های مجلس خبرگان رهبری، رویه ثابت عدم انتصاب زنان در انتصابات مربوط به اصل ۱۱۰ قانون اساسی مانند عضویت شورای نگهبان و...) ب) وجه نهان و پایه به عواملی مربوط می‌شود که از ابتدای تأسیس سیستم سیاسی، سبب شکل‌دهی به

باورها و رویه‌ها و عملکردهای عیان فوق‌الذکر شده‌اند (از قبیل فرهنگ مردسالارانه ایرانی اسلامی، روح مردسالارانه قوانین و رویه‌های فقهی رایج که مطابق برداشت‌های سنتی مردسالارانه از دین هستند نه طبق قرائت‌های به‌روز و دقیق با توجه به جوهر عقلانی و عادلانه و پویای دین الهی اسلام). به‌طور کلی دستیابی زنان به مناصب سیاسی، این‌گونه با موانع مواجه شده است که عناصر مردسالارانه در فرهنگ و به‌ویژه برداشت‌های مردسالارانه از دین، با توجه به ایدئولوژیک‌بودن سیستم سیاسی، بر حوزه نظام سیاسی به‌شدت اثر گذاشته و موجب تقنین و سیاست‌گذاری و رویه‌های مردسالارانه در عرصه‌های گوناگون سیاسی، حقوقی و اجتماعی شده است (چنان‌که روند جامعه‌پذیری شامل آموزش‌ها و فرهنگ‌سازی را مردسالارانه‌تر ساخته) در نتیجه این عوامل سبب کاهش اعتمادبه‌نفس اجرایی و تجربه اجرایی-سیاسی زنان شده و مانع دستیابی زنان به مناصب سیاسی شده است (Vaezi, 2018).

۵. نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی روند حضور زنان در مناصب سیاسی در جهان معاصر روشن شد که حضور زنان در قدرت سیاسی به‌ویژه از نیمه دوم قرن بیستم میلادی روندی صعودی داشته است و کشورهای توسعه‌یافته پیشرفته در این راستا پیشگام بوده‌اند. در این زمینه، با توجه به اهمیت تأثیر جهانی شدن، به‌جهت تقریب بیشتر به بحث وضعیت ایران و چشم‌انداز تقاضای زنان ایرانی برای حضور در مناصب سیاسی و انتخابات سیاسی در سال‌های آتی، به روند حضور زنان در عرصه قدرت سیاسی در کشورهای مسلمان و کشورهای منطقه پرداخته شد و محرز شد که طی چند دهه اخیر، حتی در کشورهای منطقه خاورمیانه حضور زنان در مناصب سیاسی (و به‌تبع آن رتبه زیرشاخص توانمندسازی سیاسی) روندی روبه‌رشد داشته است و از دهه اخیر، حتی در کشورهای دارای نظام‌های غیردموکراتیک شیخ‌نشین و پادشاهی‌های حوزه خلیج فارس این روند آغاز و از ابتکار حمایتی دولت بهره‌مند شده است. مقایسه وضعیت ایران از نظر زیرشاخص توانمندسازی سیاسی (دستیابی زنان به مناصب سیاسی) با جهان و کشورهای منطقه، ضرورت تلاش برای ارتقای وضعیت ایران در این زمینه را عیان می‌سازد؛ چرا که درعین حال که از نظر شاخص‌های بهداشت و تحصیلات، عملکرد خوبی داشته‌ایم، اما از نظر حضور زنان در مناصب سیاسی وضعیت ما عقب‌مانده و کند بوده است؛ آن هم در شرایطی که متأثر از روندهای جهانی و امکاناتی از قبیل جمعیت عظیم زنان دارای تحصیلات عالی مرتبط و... تقاضای مشارکت سیاسی زنان در سطوح عالی (سطح نخبگان قدرت) افزایش خواهد یافت؛ بنابراین برای توجه به چشم‌انداز آینده؛ امکانات و سپس موانع جذب این تقاضا بررسی و ذکر

شد. حال این سؤال مطرح می‌شود که راهکار جذب تقاضای زنان ایرانی برای حضور در مناصب سیاسی و جبران عقب‌ماندگی از روند جهانی به‌منظور بهره‌مندی از پتانسیل زنان نخبه مؤید نظام در عرصه مدیریت سیاسی جمهوری اسلامی ایران (و به تبع جذب این تقاضا، افزایش اعتماد سیاسی زنان به نظام و افزایش مقبولیت نظام سیاسی) چیست و چگونه می‌توان موانع مربوط را کاهش داد یا برطرف کرد. اهم این راهکارها عبارت‌اند از:

۱. ارائه تفاسیر جدید و به‌روز از قوانینی که مانع دستیابی زنان به قدرت و مناصب سیاسی در جمهوری اسلامی ایران شده‌اند: از جمله اصل ۱۱۵ قانون اساسی که کلمه «رجل سیاسی» را به‌کار برده و اصول ۱۵۷ و ۹۱ قانون اساسی و قانون انتخابات مجلس خبرگان و حکم ۱۳۵۷/۱۲/۲۷ در باب ترکیب اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام که با ذکر شرط اجتهاد یا فقاقت با توجه به نظرات مختلف در باب امکان مرجع‌شدن زنان به‌ویژه با توجه به عرف فقیه نامی ندانستن زنان مجتهد در جمهوری اسلامی ایران تاکنون، موانع عظیمی را برای دستیابی زنان به مناصب مربوط ایجاد کرده است. به‌عنوان راهکار می‌توان این تفسیر جدید را داشت که شرط جنسیت فقط می‌تواند مانع تصدی منصب ولایت‌فقیه‌ی توسط زنان شود و نه مناصب دیگر؛ بنابراین نباید این شرط را به دیگر مناصب از جمله ریاست‌جمهوری، خبرگان رهبری، فقهای شورای نگهبان و... تسری داد. همچنین باید ساختار سیاسی به نگاهی غیرمردسالارانه و فراتر از مسئله فیزیولوژیک باروری زنان روی آورد؛ چرا که اگرچه با توجه به مسئله باروری زنان پاره‌ای ملاحظات و محدودیت‌های فقهی در بعد خانواده برای زنان ایجاد شده، این محدودیت‌ها را نباید به حوزه فعالیت سیاسی (شامل کسب مناصب سیاسی و...) تسری داد؛

۲. فرهنگ‌سازی طی فرایند جامعه‌پذیری و آموزش در راستای کاهش نابرابری‌های جنسیتی و علیه انگاره حیات سیاسی مذکر (قدرت و سیاست را صرفاً عرصه حضور مردانه دانستن) با نگاهی به واقعیت تلاش‌های جهانی در راستای عدالت جنسیتی و در راستای افزایش حضور زنان در عرصه قدرت اجتماعی و سیاسی؛

۳. ابتکار عمل پیش‌ران از طرف نظام سیاسی در راستای بهبود چهره ایران در عرصه بین‌الملل با به‌کارگیری زنان در مناصب سیاسی: از جمله اقدام‌های ترویجی و نمادین انتصاب چند زن (از زنان نخبه مؤید نظام و در صورت لزوم مجتهد) به مناصب سیاسی حوزه اختیارات عالی‌ترین مقام رأس قدرت سیاسی یا ایراد سخنرانی و فرمان‌هایی از جانب ایشان مبنی بر عدم مخالفت و موافقت با حضور زنان در مناصب سیاسی؛

۴. تلاش روزافزون خود زنان برای رفع تبعیض‌های جنسیتی و دستیابی به قدرت اجتماعی و سیاسی و معطوف کردن مطالبات خود به پیگیری قانونی و بهنجار حقوق پایه‌ای و اساسی (نه از جنس مطالبات غیرقانونی و نابهنجار معطوف به اهداف سیاسی معاندان نظام) از جمله سهم ارث و دیه و وزن سوگند برابر و... با استفاده از پتانسیل پویایی دین برتر و خاتم و پایدار اسلام و حمایتگری نظام جمهوری اسلامی ایران از نگاه غیرابزاری به زنان به نحوی که هدف مطالبات و جنبش و اعتراض زنان تا انتها صرفاً مسئله زن باشد و ابزاری سیاسی در راستای نقض نظام، حمایت یا نقض حرکتی سیاسی نشود؛ چرا که تاریخ معاصر شاهد تجارب مختلف از سوءاستفاده از نیروی زنان و مسئله حقوق زنان - در راستای تحقق اهداف سیاسی عده‌ای خاص بوده است؛ برای مثال بهره‌مندی مشروطه‌طلبان مرد (جز حاج شیخ محمدتقی و کیل‌الرعايا) از نیروی زنان در پیروزی جنبش مشروطه اما محروم کردن زنان حتی از کف مشارکت سیاسی (حق رأی‌دادن)، نقش مؤثر زنان در برانداختن نظام سیاسی پهلوی دوم اما مخالفت‌های شدید با حضور حتی یک زن در مجلس خبرگان قانون اساسی و لحاظ نکردن حق حضور زنان در بسیاری از مناصب سیاسی در هر دو متن قانون اساسی و مخالفت‌های مکرر برخی مراجع با موارد کاندیداتوری زنان برای انتخابات مجلس خبرگان رهبری و در نگاهی کلان عدم تساوی حقوق زن و مرد در حقوق مدنی و استفاده ابزاری از مسئله حقوق زنان توسط جریان‌های سیاسی معاند اپوزیسیون خارج‌نشین با طرح مسائل سطحی حقوق زنان (از جمله کمپین‌های ضد حجاب و طرفدار حق آواز زنان و...) به قصد براندازی نظام سیاسی و نه در جهت احقاق واقعی و پایدار حقوق زنان؛

۵. الگو قراردادن عملکرد زنان سیاستمدار موفق و مؤید نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران در سطح داخلی.

تعارض منافع

در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

References

- Afkhami, B., Zinizadeh, T., & Hosseyninia, S. M. (2018). Women's Position in the Achaemenian and Assyrian Period based on Archaeological Evidence. *Journal of Woman in Culture Arts*, 10(4), 527-548. <https://doi.org/10.22059/jwica.2019.262553.1109>. (In Persian)
- Alizade Birjandi, Z. (2006). Reza Khan's women and pseudo-modernism, sociological analysis of the discovery of hijab. *Journal of Zamane*, 5(48), 45-49. (In Persian)

- Asriran (2021). The story of a woman who went back and forth to the Majlis of Experts. Viewed on 30 / 05 / 1400. From: <https://www.asriran.com/fa/news/709539/> (In Persian)
- Esfidani, M. (2002). Obstruction of women's management. *Journal of Woman in Development and Politics*, 1(4), 67-85. (In Persian)
- Etratdoust, M., & Vazirifard, S. M. J. (2013). Analyzing the judicial reasons of opponents of women's political velayat in Shiite Jurisprudence. *Journal of Islamic Law & Jurisprudence Researches*, 9(33), 79-94. https://ijrj.babol.iau.ir/article_529932.html. (In Persian)
- Euronews (2018). To what extent do women play a role in European policies? Viewed on 21/08/2021. From: <https://per.euronews.com/2018/03/13/female-politicians-in-europe>. (In Persian)
- Hening, R., & Henig, S. (2005). *Women and political power*. Translated by: M. Dasori. Tehran: Publishing community. (In Persian)
- Jawan Arasteh, H., & Farahani, A. (2017). A study of the foundations and principles of appointing women to political and social positions. *Journal of Journal of Islamic Government*, 22(1), 161-181. (In Persian)
- Kamali, A. (2001). The approach of women's participation in development: prerequisites and obstacles. *Journal of Woman in Development and Politics*, 1(1), 3-20. (In Persian)
- Karimi Dastnayi, T. (2021). *2020 gender gap index in Iran and the world*. Viewed on 30/ 05/1400. From: <http://tccim.ir/economic/fulldoc.aspx?nid=890> (In Persian)
- Khosravi, M., Daheshyar, H., & Abtahi, S. S. (2013). The empowerment of women in making political decisions in national and international decision makings structure. *Research Letter of International Relations*, 5(20), 99-132. (In Persian)
- Lotfi, H., & Mohammadzadeh, A. (2010). The process of globalization and the investigation of this phenomenon in the countries of the Islamic world. *Proceedings of the Fourth International Congress of Geographers of the Islamic World*. Zahedan. <https://civilica.com/doc/82849> (In Persian)
- Mohammadi Asl, A. (2003). *Gender and income participation on the sociology of Iranian women's political participation*. Tehran: Zanan and Roshangaran Publications. (In Persian)
- Nahid, A. (1981). *Iranian women in the constitutional movement*. Tabriz: Ahya Publication. (In Persian)
- Pishgahifard, Z., & Zohdi Goharpor, M. (2010). A Review of the Status and Role of Women in the Middle East Political Participation. *Journal of Women and Society*, 1(1), 25-44.

https://jzyj.marvdasht.iau.ir/article_1227.html (In Persian)

- Presidential Office of Women and Family Affairs. (2017). *Document examining the status of women in decision-making and management positions in the Islamic Republic of Iran*. (In Persian)
- Rafie, M. T., & Dabaghi, M. (2014). Globalization and women's rights, opportunities and challenges. *Journal of Strategic Studies*, 5(17), 188-225. (In Persian)
- Razavi Alhashem, B. (2009). Analysis of the position of women's participation in the social political development process of the Islamic Revolution of Iran. *Journal of Book of the Month of Social Sciences*, 60, 21-73. (In Persian)
- Shanbehzaari, A. M., & Eslami, S. (2020). Investigating the barriers to the transition to democracy in the Arab countries of the Persian Gulf. *Journal of Research of Nations*, 54, 33-54. (In Persian)
- Statistical Center of Iran. (2015). Statistical yearbook of the country. Charts 5-17. (In Persian)
- Statistical Center of Iran. (2019). Statistical yearbook of the country. Charts 5-17. (In Persian)
- Tabesh, R., & Mohseni Darebidi, J. (2011). *The foundations of legitimacy of the Islamic Republic*. Publishing Center of Islamic Revolution Documents. (In Persian)
- Vaezi, H. (2018). Women's political participation and their role in political-executive posts. *Master's Thesis*. Tehran: University of Tehran, Faculty of Law and Political Sciences. (In Persian)
- World Economic Forum; Global Gender Gap Report 2010.
- World Economic Forum; Global Gender Gap Report 2015.
- World Economic Forum; Global Gender Gap Report 2016.
- World Economic Forum; Global Gender Gap Report 2017.
- World Economic Forum; Global Gender Gap Report 2018.
- World Economic Forum; Global Gender Gap Report 2019.
- World Economic Forum; Global Gender Gap Report 2020.
- World Economic Forum; Global Gender Gap Report 2021.